

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ اگست ۲۰۱۸

یک سیاست و دو نتیجه

چهارشنبه- ۳۱ اسد ۱۳۹۷- کابل: کسانی که به سخنرانی های روز های اخیر "گلبدين" و "عطاء" توجه نموده باشند، حتماً متوجه شده اند که آن دو هر یک به نوبه خود دولت دست نشانده را تهدید نموده، در حالی که "گلبدين" از جلوگیری انتخابات پیش رو حرف می زند، "عطاء" به مردم راه زیر فشار گذاشتن دولت دست نشانده با قطع برق کابل را نشان می دهد. در اینجا به اجازه شما هموطنان عزیز، به این دو موضع گیری تقریباً موازی این دو فرد و به اصطلاح نهاد هائی که از آن نمایندگی می کنند، اندکی مکث نموده، و نتایج متضادی را که هر دو از این مخالفت ها بدان دست می یابند، نیز خواهیم دید:

۱- تا جایی که از مطالعه تاریخ ۵ دهه اخیر بر می آید، باند "گلبدين" یا "حزب اسلامی" و باند "ربانی" که امروز "عطاء" از آدرس آن زور می گوید، یعنی "جمعیت اسلامی"، دو نهادی بوده و اند که از آغاز پیدایش تا امروز در درگیری و تقابل و توطئه علیه یک دیگر به سر برده، به همان سانی که برژنیف و تمام دارودسته اشغالگران نخواستند و یا نتوانستند کشمکش های درونی "خلق" و "پرچم" را خاتمه دهند، اختلافات این دو را نیز از ضیاءالحق گرفته تا اختر عبدالرحمان و از ملک فهده و عبدالله گرفته تا ملک سلمان نیز یا نخواستند و یا هم نتوانستند، از بین ببرند. در نتیجه بروز اختلاف و مناقشه بین "گلبدين" و "عطاء" و یا "حزب اسلامی" و "جمعیت اسلامی" چیز تعجب آوری نیست، بلکه هرگاه آنها بین خود دعوا نداشته باشند، می باید با تعجب منتظر بروز توطئه های متقابل آن شد.

۲- در حالی که همین اکنون "جمعیت اسلامی" از طریق "حکومت خیانت ملی" و مشارکت در قدرت یکی از پایه های اساسی قدرت به شمار رفته و بنا به ادعای خودشان بر بیشتر از ۹ ولایت افغانستان حکم می رانند، "حزب اسلامی" جناح "گلبدين" هرچند از لحاظ رسمی بخشی از حکومت نیست اما از لحاظ عملی با در نظر داشت تصاحب اکثریت چوکی های قدرت در داخل ارگ زیر نام مشاور و یا چه و چه، در عمل بخشی از قدرت به شمار می رود.

۳- همان طوری که در آغاز این مختصر نوشتم، این دو باند جنایتکار با آن که در قدرت سهیم اند و در پیشگاه تاریخ نمی توانند از پاسخگوئی کردار و عملکرد دولت دست نشانده خود را کنار بکشند، مگر همه روزه بر مبنای همان خصلت زیاده خواهی و انحصار طلبی های ایدئولوژیک و بازتاب آن در عمل اجتماعی، می خواهند ساحة نفوذ و سلطه شان را گسترش بیشتر بدهند. آنهم نه به شکل "گرفتن کار از دست و گرفتن لقمه از دهان" و ارائه کدام خدمتی تا پاداشی دریافت دارند، بلکه از طریق غوغا سالاری، تهدید و هویگریهای معمول بین احزاب ارتجاعی.

۴- آنچه در این میان سخت قابل توجه است، برخورد متضاد "باندارگ" در مقابل اعمال مشابه آنهاست. یعنی "باندارگ" به خصوص "غنی احمدزی" در حالی که به هر غوغاسالاری باند "گلبدین" از خود تمکین نشان می دهد و مقام تازه ای به حواریون "گلبدین" اعطاء می فرماید، به غوغا سالاری "جمعیت اسلامی" برخورد خشن و مخالف نموده، آنها را یکی پشت دیگری از مقامات شات عزل می نماید.

۵- اتخاذ این برخورد دو گانه که به یقین محصول "مغز متعفن جهان" نیست و به دستور بادران اشغالگرش صورت می گیرد، می تواند از یک جانب دامن زدن به رقابت مزدورمنشانه بین این دو باند میهنفروش باشد و از جانب دیگر به غرض تعمیق تبعیضات قومی و زبانی و یک دست ساختن حاکمیت دست نشانده صورت بگیرد.

آنچه در این میان نباید از یاد برده شود، نقش مردم افغانستان در قبال هر دو باند جنایتکار و میهنفروش می باشد. برای مردم افغانستان باند گلبدین و باند عطاء هیچ تمایز ماحوی از یک دیگر ندارند. ما مردم اگر می خواهیم آزاد باشیم و در رفاه با خانواده و فرزندان خود زندگانی نمائیم، باید این آمادگی را نیز داشته باشیم که بر اجساد گنبدیده این باندها نیز لگد تاریخی خویش را حواله بداریم.

به پیش در جهت انجام وظایف!!